

بررسی رویکردهای موثر در توسعه شهری با تاکید بر نظریه ی مدل سازی بین و درون شهری

محسن کریمی

کارشناس مهندسی عمران، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی نجف آباد

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رویکردهای موثر در توسعه شهری با تاکید بر نظریه ی مدل سازی بین و درون شهری انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها و... انجام گرفت. نتایج نشان داد این نظریه ها به عنوان ابزارهای کارآمد، می توانند به بهبود فرآیندهای برنامه ریزی و مدیریت شهری کمک کنند. با توجه به پیچیدگی های موجود در ساختارهای شهری و تعاملات میان آنها، استفاده از مدل سازی بین شهری به شناسایی روابط و الگوهای رفتاری میان شهرها و مناطق مختلف می پردازد و به مدیران این امکان را می دهد که تصمیمات بهتری در زمینه توسعه پایدار اتخاذ کنند. از سوی دیگر، مدل سازی درون شهری به تحلیل دقیق تر ساختارهای داخلی شهرها و نحوه تعامل عناصر مختلف درون آنها می پردازد. این رویکرد می تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف در طراحی و مدیریت شهری کمک کند و زمینه ساز بهبود کیفیت زندگی شهروندان شود.

واژه های کلیدی: رویکرد، توسعه شهری، مدل سازی بین شهری، مدل سازی درون شهری

مقدمه

توسعه شهری به عنوان یک فرآیند پیچیده و چندبعدی، نیازمند رویکردهای نوین و کارآمد است که بتوانند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقاء پایداری محیطی کمک کنند. در این راستا، نظریه‌های مختلفی در زمینه مدیریت و طراحی شهری مطرح شده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نظریه مدل‌سازی بین و درون شهری است. این نظریه به تحلیل و شبیه‌سازی تعاملات میان شهرها و همچنین درون ساختارهای شهری می‌پردازد و به مدیران و برنامه‌ریزان شهری این امکان را می‌دهد که با استفاده از داده‌های دقیق و تحلیل‌های جامع، تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. مدل‌سازی بین شهری به بررسی روابط و تعاملات میان شهرها و مناطق مختلف می‌پردازد و می‌تواند به شناسایی الگوهای رفتاری و نیازهای متنوع شهروندان کمک کند. از سوی دیگر، مدل‌سازی درون شهری به تحلیل ساختارهای داخلی شهرها و نحوه تعامل عناصر مختلف درون آن‌ها می‌پردازد. این دو رویکرد به طور همزمان می‌توانند به بهبود فرآیندهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کمک کنند و زمینه‌ساز توسعه پایدار و متوازن شهرها شوند. در دنیای امروز، با توجه به چالش‌های متعددی که شهرها با آن مواجه هستند، از جمله رشد سریع جمعیت، تغییرات اقلیمی، آلودگی محیط زیست و نابرابری‌های اجتماعی، ضرورت توجه به رویکردهای مؤثر در توسعه شهری بیش از پیش احساس می‌شود. لذا در این مقاله به بررسی رویکردهای مؤثر در توسعه شهری با تأکید بر نظریه مدل‌سازی بین و درون شهری می‌پردازد.

توسعه مدل‌سازی درون شهری

مفهوم توسعه اجتماع درون شهری دارای مبانی تاریخی متفاوت می‌باشد برخی از صاحب‌نظران آن را مربوط به تلاش‌های اصلاحات اجتماعی در شهرها می‌دانند. برخی دیگر آن را مربوط به کوشش‌های صورت گرفته در زمینه توسعه درون شهری دانسته و بعضی نیز آن را به تلاش‌های توسعه روستایی و کشاورزی مرتبط می‌دانند. مبحث اجتماع درون شهری و توسعه اجتماع درون شهری علیرغم سابقه نسبتاً طولانی در ادبیات علمی و به عنوان زیر مجموعه ای از توسعه پایدار محله ای اجرایی در اواخر دهه ۸۰ در قالب مبحث مفهوم توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد. با وقفه ای کوتاه در این دهه و با توجه به نگرش ویژه به سلول‌های عملکردی شهر در قالب اجتماعات محله ای به عنوان مفهومی جدیدتر مطرح می‌گردد. توسعه درون شهری در دهه ۹۰ و سال‌های اخیر تبدیل به یک مبحث اساسی در توسعه گردیده و دانشمندان و مجریان هر کدام متناسب با نوع فعالیتی که انجام می‌دهند در چارچوب این مفاهیم دیدگاه‌های خود را ارائه کرده و یا اقدامات خود را انجام داده اند (عسگری، ۱۳۹۲). الگوی توسعه محله ای در قالب نگرش‌های سنتی در شهرسازی سابقه ای دیرینه دارد. در دوره‌های متأخر و بویژه در نیمه قرن بیستم، بسیاری از نظریه پردازان شهری بخصوص در چارچوب مورد، محله مقیاس)مکتب محیط گرایان فرهنگی رویکرد مجددی را به بازآفرینی کارکردهای تأکید قرار داده اند. این توجه مجدد هر چند با باز آفرینی کارکردهای نوین برای اجتماعات محله ای هم در حوزه کالبدی و هم در روابط انسانی توأم بوده و لیکن بدلیل تغییرات شگرف صورت گرفته در جامعه معاصر دارای ابعاد و خصیصه‌های کاملاً متمایزی می‌باشد. در این راستا می‌توان به دستور کار ۲۱ اشاره نمود که از سال ۱۹۹۳ به عنوان یک راهکار عملی برای تقویت مقیاس محلی وارد عمل شد. این دستور العمل به دنبال تشویق مسئولان محلی در راستای ایجاد و توسعه برنامه‌های همکاری میان بخش خصوصی محلی و دولتی جهت ایجاد توسعه پایدار در سطح محلی بوده است. بازسازی اجتماعی در شهر بر اساس مدل توسعه درون شهری در چند دهه اخیر در برخی از کشورهای جهان در قالب طراحی شهری مورد توجه قرار گرفته است. در فرانسه در دهه

۱۹۷۰ نیاز شدید به ساختمان‌های انبوه، مسئله بازسازی مناسب تر رعایت جنبه‌های هنری معماری اجتماعی زمینه ساز طرح سازی گردید. فعالیت‌های جدید نوآوری معماری در این دوره بر محور سکونت و حیات اجتماعی بود. لذا سیاست جدید مبتنی بر توسعه اجتماعی محله‌ها توسط کمیسیون دابدوت در سال ۱۹۸۲ طراحی و به کار گرفته شد (مجموعه گزارشات همایش‌های محله‌ای شهر تهران، ۱۳۹۰: ۲۴۵). توسعه اجتماعی درون شهری از نوع محله‌ای فرآیندی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خود یارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط فیزیکی و اقتصادی است (سالک، ۱۳۸۶: ۳۱). توسعه محله‌ای درون شهری به معنای به ثمر رساندن پروژه‌ها و طرح‌هایی است که در راستای رفع مسائل و نیازهای افراد و سازمان‌های محله می‌باشد (مجموعه گزارشات همایش‌های محله‌ای شهر تهران، ۱۳۸۸: ۳۲). این رویکرد بیشتر ایجاد موارد زیر در اجتماعات محلی را مد نظر قرار می‌دهد:

- ایجاد انگیزه در مردم جهت خودباری از طریق آموزش
 - گسترش روحیه همکاری و تعاون
 - ایجاد و توسعه رهبری محلی
 - تقویت مردم سالاری
 - ایجاد فرایند رشد پایدار
 - حفظ و تقویت روابط اجتماعی
 - ایجاد تغییرات تدریجی مبنی بر تصمیمات درونی.
- در توسعه اجتماعات درون شهری به سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی توجه شایانی می‌شود. سرمایه اجتماعی به منابعی که از طریق تعاملات اجتماعی شبکه‌های اجتماعی و روابط متقابل، هنجارها و اعتماد متقابل قابل دسترسی هستند اطلاق می‌شود.
- انسجام اجتماعی عبارت از روح همدلی صمیمیت و حس مشترک اجتماعی است که افراد یک اجتماع را به هم پیوند داده و باعث می‌شود افراد نسبت به یکدیگر به نوعی احساس مسئولیت نمایند. وجود ارزش‌ها اهداف و خواسته‌های مشترک بین افراد یک جامعه باعث ایجاد انسجام بین آنها می‌شود. همچنین اعتماد متقابل افراد عامل مهمی در انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. به نظر احمدی ضعف روابط اجتماعی باعث کاهش میزان همکاری مردم با یکدیگر در اداره امور شهر می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴).

پروژه توسعه اجتماع محله‌ای نیز همانند هر نوع پروژه دیگر دارای مراحل پنج گانه زیر می‌باشد:

۱. پی ریزی توسعه بر اساس مشارکت و ارزش‌های اجتماعی
۲. ترسیم دورنمای توسعه محله
۳. تدوین برنامه اجرایی از ایده تا عمل
۴. نظارت و ارزیابی مستمر جهت به حداقل رساندن خطاها
۵. تجلیل کردن بازخورد و پیشرفت (سالک، ۱۳۸۶: ۳۲).

رویکرد مدیریت یکپارچه شهری

طراحی و استقرار سیستم مدیریت یکپارچه شهری علاوه بر رفع مشکلات شهر مسیر رسیدن به اهدافی همچون توسعه فضاهای فرهنگی اجتماعی و گردشگری مرز پایدار و مشترک بین تمامی ارگان‌ها، مرز پایدار با افزایش مشارکت عمومی منابع درآمدی پایدار ارتقای کیفی زندگی شهروندمداری، نظارت عمومی بر مسائل شهری را کوتاه تر می‌کند. در سیستم مدیریت شهری غیر یکپارچه وزارتخانه‌ها سازمان‌ها و شرکت‌های زیادی مستقیم و غیر مستقیم در مدیریت شهری دخالت می‌کنند و هر سازمان با معیارهای خود شهر را به چند منطقه تقسیم کرده است و تا هماهنگی در تقسیم بندی شهر توسط سازمان‌ها معلول مدیریت های گوناگونی است که در تقسیم بندی شکل گرفته است. این شیوه مدیریت شهری مشکلات زیادی را شهرداری‌ها و سازمان‌های موثر در مدیریت شهری بوجود آورده است و راه برون رفت از آن مدیریت شهری هماهنگ و یکپارچه در شهرهاست.

عالی ترین هدف از یکپارچگی مدیریت شهر توسعه پایدار مجموعه‌ای از عدالت اجتماعی، زیست مندی اقتصادی و تعادل اکولوژیک در ایجاد مرزی پایدار است. باور راسخ بر این است که پایداری مجموعه کلانشهری جز با تقسیم آن به واحدهای اجتماعات محلی ممکن نیست تنها در این صورت است که پیوندهای پایدار و نیرو بخش متقابل بین اجتماعات و محیط به وجود می‌آید و همزیستی با طبیعت و با یکدیگر جانشین رقابت با حراج دارایی نسل‌های آینده طبیعت فروشی می‌شود. از این رو راهبرد نیل به توسعه پایدار کلانشهری به ایجاد منظومه ای از واحدهای فضائی خودگردان همراه با توسعه اجتماعات محلی در چارچوب نظام مدیریت یکپارچه شهری باز می‌گردد. این همان چیزی است که گمگشته برنامه ریزی شهری کنونی کشور است و گویی با طرح و اجرای نقش های کاربری زمین و زیر ساخت ها و مانند آن ها، کالبد شهر موجب توسعه اجتماعات می‌شود یکپارچه شدن مدیریت شهری این امکان را می‌دهد که علاوه بر کالبد کار کرد و محتوای اجتماعی و اقتصادی را نیز با یکدیگر در فرایند برنامه ریزی توسعه مورد توجه قرار داد و مهمتر از این فرآورده فرایند مشارکتی و در برگیرنده کثرت شهروندان را به راه انداخت؛ فرایندی که لازمه توسعه پایدار و شهروند مدار است. (صرافی، ۱۳۷۵).

یکی از پیش فرض های مدیریت یکپارچه اطمینان یافتن از کارایی مناسب مدیریت شهری پس از یکپارچگی است. چنین اطمینانی هنگامی حاصل می‌شود که سازمان مدیریت شهری ایجاد شده، قادر به مدیریت واکنش‌ها و مقاومت‌های سازمان‌های محلی پس از اعلام یکپارچگی باشند. اتخاذ بعضی تدابیر پیش از یکپارچگی و دوران گذار می‌تواند موثر باشد. بعضی از این تدابیر شامل :

- ایجاد رویه های تعاون و همکاری و تعریف طرح‌های مشارکتی میان سازمان‌های دولتی و نهادهای محلی اداره ی شهر
- ایجاد انگیزه در سازمان‌های دولتی و خصوصی برای همکاری در اداره امور شهر
- پیش بینی ساختارهای سازمانی انعطاف پذیر برای سازمان مدیریت کلانشهر که قادر باشد به تغییرات مستمر در محیط کلانشهر پاسخ دهد.
- اتخاذ تدابیر مناسب برای پیشگیری از تداخل مسئولیت بین دواير سازمان مدیریت کلانشهر به طوری که رویه های پاسخ گویی حدود مسئولیت هر دایره را به روشنی مشخص نماید.
- در سیستم مدیریت یکپارچه شهری باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد:
- مرزی پایدار و هماهنگ با تمامی سازمان‌ها در راستای افزایش هویت مکانی
- لزوم طراحی چارچوب سازمانی و تشکیلاتی و چند سطحی و چند لایه ای برای سیستم مدیریت شهری

- پوشش کامل همه ی امور شهری

- شمول مدیریت شهری بر برنامه ریزی شهری

- قابلیت انطباق چارچوب سازمانی با ماهیت چند عملکردی مدیریت. یکپارچه سازی مدیریت شهری نه برای ایجاد قدرتی جدید و فراشهری با رویه های گذشته بلکه برای برقراری حکمروایی شایسته و ایجاد رویه ای نوین با قابلیت بسیج منابع مردمی جدید و در نهایت توسعه اجتماعات محلی در کلانشهر تهران باید پیگیری شود به سخن دیگر، یکپارچگی مدیریت پیش از آنکه تحویل فرآورده جدیدی برای توسعه شهری باشد. می بایست در خدمت تحول فرآیند توسعه اجتماعات محلی از ارکان پایداری باشد. مدیریت پایدار نیز با مرزی پایدار مطرح می گردد (نوذرپور و همکاران، ۱۳۹۳).

رویکردهای نوین درون شهری

۱- **کوچک زیباست:** توجه به محدودسازی و کوچکتر کردن نواحی مسکونی از بحث های جدید است. اسمیت معتقد است که بنا بر یک باور صریح محلی گرایی و کوچکی با ارتقاء کیفیت زندگی ملازم است. در این راستا گرین برگ می گوید ایجاد محله با اندازه محدود منافاتی با بزرگ بودن شهر ندارد. الگوهای روستا شهر در انگلستان و طراحی تنوسنتی در آمریکا بر اساس توجه به کوچک سازی ارائه شده اند.

۲- **پایداری:** این رویکرد جدید در طراحی شهری به گونه ای صریح با مفهوم محله در ارتباط است. برای دستیابی به یک جامعه پایدار بایستی از ارزش های اجتماعی و نیازهای شهروندی تعریف جدیدی ارائه کرد. توسعه ی پایدار یک آرمان فرهنگی است و در جستجوی اصلاح نگرشها و شیوه های زندگی است. جنبه های توسعه پایدار در ارتباط با مفهوم محله شامل خود کفایی کاهش سفرهای درون شهری، قابلیت اجتماعی و حس جمعی برابری و توازن حس مکان و هویت و ایمنی و تمایز اجتماعی می شود.

۳- **خود کفایی:** خود کفایی یک نکته مهم در محیط های پایدار است که در مقیاس های متفاوت از یک ساختمان تا محله ها شهرها و منطقه ها توصیه می شود و محله می تواند نقش کلیدی در این زنجیره بازی کند.

۴- **کاهش سفرهای درون شهری:** از طریق تشویق پیاده روی دوچرخه سواری و استفاده از حمل و نقل عمومی بر آورده می شود. تعبیه خدمات محلی در یک آستانه قابل پیاده روی توزیع تسهیلات در سطح محله در کنار پراکنش متوازن مراکز فعالیتی در پهنه شهر می تواند چنین هدفی را برآورده سازد.

۵- **قابلیت اجتماعی و حس جمعی:** نقش تعامل اجتماعی بخصوص زمانی پررنگ می شود که مردم بخواهند در تصمیم سازی های مربوط به محیط پیرامون خود دخالت کنند. استیوارت و هنر تاکید دارند که نیازمندی های توسعه پایدار نمی تواند تحمیل شود اگر چه مشارکت فعال جوامع محلی ضروری است.

۶- **برابری و توازن شهری:** که بر اساس واحدهای همسایگی توسعه می یابد بستر مناسبی برای توازن و تامین برابری فراهم می کند. الکساندر معتقد است که شهرهای بزرگ زمانی مقبول هستند که مراکز متعددی در گستره آنها فراهم و تجهیز شوند و توسعه شهری بصورت ارگانیک بر مبنای این مراکز شکل بگیرد.

۷- **حس مکان و هویت:** سکونت گاه های سنتی تناسب و تطابق بهتری بین ساختار فضایی، عنصر زمان معنای ارتباطات و فرهنگ اجتماعی برقرار می کردند. از طرفی دیگر رویکردی که با تقلید شکلی از سکونتگاه های سنتی برای دستیابی به مکان های با هویت اخیرا مرسوم شده است بایستی با شناسایی قابلیت های واقعی و ویژگی های انفرادی هر محمل خاص

جایگزین شود به عقیده هاتون و هانتز یک سکونتگاه پایدار باید در پی ارتقاء و حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های مثبت خود در زمینه محیط طبیعی مصنوعی و فرهنگی باشد.

۸- ایمنی و تمایز اجتماعی: محله‌های دروازه دار امروزه یک پدیده مورد اقبال بخصوص در آمریکا هستند. اگر چه قدمت آنها به ۳۰۰ سال قبل میلاد می‌رسد اما اکنون شکل‌های جدیدی از آنها عرضه شده‌اند. این رویکرد جدید می‌تواند به عنوان طیفی از تمایلات به خصوصی سازی فضاهای عمومی و تسهیلات رفاهی باشد که در طی دهه‌های اخیر برای ایجاد تمایز اجتماعی بین نخبگان و عوام مطرح شده است.

رویکردهای موثر در توسعه شهری

رویکرد توسعه مدل سازی بین منطقه ای

روند بهگشت اجتماع بدون رشد فراتر از ظرفیت حامل بوم‌شناسانه اطلاق می‌شود که در آن پایداری زیست محیطی با هدف برقراری تعادل اکولوژیک در کنار پایداری اجتماعی با هدف برقراری عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی با هدف فراهم سازی زمینه برای بقای اقتصادی وجود دارد. مفهوم مدل سازی بین منطقه ای پایدار مفهومی بسیار ارزشمند و نوید بخش است. آلودگی ازدحام و شلوغی بی هویتی بیگانگی بی روحی و دوری از طبیعت را از شهر میگیرد و محیط‌های قابل پیاده روی پر تحرک و اجتماعی را تحویل می‌دهد. توسعه پایدار در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، ملی منطقه ای و جهانی مورد نظر است ولی در سطح محلی بویژه شهرها توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. در مفهوم مدل سازی بین منطقه ای اصطلاحاتی همچون شهر سبز شهر قابل زندگی شهر چاره جو شهر سالم شهر پایدار و شهر اجتماعی بوجود آمده که همه دارای بار قوی جغرافیایی هستند (حاج محمدی، ۱۳۹۶).

توسعه شهری که در زبان فارسی به معادل‌هایی چون شهرسازی جدید یا شهرگرایی جدید نیز برگردانده شده است. جنبشی در ایالت متحده در نقد نظریه‌های مدرنیستی شهرسازی بر ضرورت زنده نگاهداشتن و باز زنده سازی محله‌ها و اهمیت آنها در حفظ حیات پویای شهری تاکید بسیار دارد و در باره ی هدایت و رشد حومه شهری در قالب خلق شهرها و مجتمع‌های کوچک نیز می‌باشد که گسترش شهرها را به چالش می‌خواند. طی این گرایش در طرح پیشنهاد به احیای انگاره‌های برنامه ریزی شهری که در اوایل قرن ۲۰ شکل گرفتند، است. اما برای پاسخگویی به الگوهای زندگی مدرن انطباق یافته‌اند و به شدت به آنها اتکا دارند و در نقد نظریه‌های مدرنیستی شهرسازی می‌باشد. اصول و مفاهیم پایه این نظریه در آمریکا و سپس در انگلستان تعریف شده است. شهر گرایان جدید برای طراحی شهری به گوناگونی ساختمان‌ها، کاربری‌های مختلط، مسکن برای گروه‌های مختلف درآمدی برتری و توجه خاص به حوزه عمومی تاکید دارند. واحد پایه برای برنامه ریزی آنها محله است که دارای اندازه محله، لبه و نشانه‌های خاص شهری و دارای یک مرکز تجمع و یا مرکز محله می‌باشد. اصول و مولفه‌های طراحی محور و کاربردی این دیدگاه به صورت گسترده ای برای باز زنده سازی محلات شهری به کار میرود و همواره بر ساختن یک اجتماع ایده آل و مطلوب تاکید دارد. شهر سازی نوین شهرسازی پایدار انسان‌گرا به نوعی به دنبال هدایت نسل پست مدرن برنامه ریزان و طراحان شهری را بر عهده دارد و به دنبال بالا بردن کیفیت و استاندارد زندگی در شهرهاست و به دنبال ویرانی ناشی از پراکنده رویی شهری و ناپایداری شهرها مطرح گردید. مهمترین صاحب نظر این جنبش یعنی چین جاکوبز (۱۹۶۱) نخستین انتقادهای جدی را به شهرسازی مدرن وارد ساخت اما معروفترین این جنبش از آغاز دهه ۱۹۸۰ رو به افزایش بوده است. شهرگرایی جدید مانند بسیاری از جنبشهای آرمان‌گرایانه برنامه ریزی شهری یک فرض منطقی را بکار می‌بندد که

تغییرات در ترکیب و ساخت محیط می‌تواند یک نوع خاص و ویژه‌ای از شهروندان را بوجود آورد برنامه ریزان شهرگرایی جدید ارتباط مستقیم بین برنامه ریزی شهری و افزایش میزان مشارکت در زندگی عمومی را مد نظر دارند شهر گرایی جدید زمینه ترقی شهری ایده آل و مطلوب را با کاربری متنوع اراضی و انواع مختلفی از معماری ساختمانی فراهم می‌نماید. این پارادایم الهام بخش است. به خاطر اینکه حامی معماری بومی و فضاهای عمومی است که تلاش می‌کند حس شهروندی را ایجاد نماید. فضاهایی که عنصر اصلی و حتی مایه غرور و سربلندی فرهنگی است که بیشترین اهمیت را نسبت به دنیای خصوصی و فردی در یک محیط طبیعی دارد شهر گرایی جدید از تکه تکه شدن فیزیکی و کالبدی و انفکاک عملکردی اجتناب می‌نماید این پارادایم در معنا ساختارگرا است زیرا ارتباط ساختاری بین رفتار اجتماعی و شکل کالبدی را ترویج می‌نماید و مدعی است که طراحی خوب می‌تواند اثرات مثبت و قابل سنجشی روی حس مکان و حس تعلق اجتماعی داشته باشد (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳).

پیکان انتقادات شهرسازی نوین متوجه عوامل ناپایداری شهرهاست که عمدتاً از نتایج منفی مدرنیسم بود. شهرسازی نوین برپایه پایداری همواره بر توسعه درون بافت و شهرسازی در ارتباط با حومه‌های موجود تاکید می‌کند شهرسازی نوین نیروی هدایت‌گری برای توسعه شهری در تمام مقیاس‌ها و آمیزه‌ای از سبک‌های معماری رشد هوشمند شهرسازی پایدار مبتنی بر توسعه حمل و نقل عمومی است. شهرسازی نوین معتقد به بازگشت به الگوی محلات سنتی برای ایجاد جوامع پایدار و کار است و به دنبال بالا بردن کیفیت زندگی و استانداردهای آن است و بازگشتی به هنر ساختن مکان‌هاست و خواستار بازگشت به برنامه ریزی سنتی شهرها است. به همین دلیل است که یکی از مهم‌ترین رویکردهای برنامه ریزی و طراحی شهری قرن اخیر است. نوشهرگرایی یک سبک تو سنتی برای ایجاد جوامع پایدار و کارا و تلفیقی از سبک‌های معماری رشد هوشمند شهری، مخالفت با پراکنده رویی تقویت شهرسازی پایدار و انسان‌گرا اختلاط کاربری‌ها حمل و نقل عمومی و پایدار، تمرکز بر فشردگی شهری و غیره موجب پیدایش نگاهی جامع برای رفع مشکلات کنونی شهرها است. شهرسازی نوین را نوعی حرکت طراحی شهری می‌دانند که در اوایل ۱۹۹۰ و دهه ۱۹۸۰ به مرحله ظهور رسید محله‌های شهرسازی نوین قابل پیاده روی و شامل طیف وسیعی از مشاغل و مسکن است. بنابراین شهرسازی نوین برآیندی از معماری سنتی و بخش‌های از معماری مدرن است و رد مفهومی کلی به کارگیری ایده‌های برنامه ریزی قدیم و سنتی و متناسب کردن آنها با شهرهای توسعه یافته امروز می‌باشد. این رویکرد با بهره‌گیری از مولفه‌های تاریخی طراحی شهری در جهت ایجاد و جایگزین مجموعه‌های قدیمی نیست بلکه نوعی برنامه ریزی متناسب و نیز متعادل در توسعه مشاغل و واحدهای مسکونی است. موارد دیگری نظیر خیابان‌های ایمن و ساختمان‌های سبز احیاء تاریخی ارتباط و اتصال ترافیک سواره و پیاده و سیستم‌های حمل و نقل گوناگون در زمره این نگرش شهرسازی است. شهرسازی نوین تحت عناوین دیگری نظیر طراحی سنتی نو توسعه حمل و نقل همساز توسعه واحدهای همسایگی (محله‌های سنتی) نیز در نقاط مختلف جهان در حال اجرا و یا بررسی و مطالعه می‌باشد. اصول شهرسازی نو شامل مرزبندی منطبق با بافت اجتماع محله ساختار سنتی محله مرزبندی با افزایش روابط اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی قابلیت پیاده روی ارتباط پذیری کاربری‌های مختلف و متنوع مسکن مختلط معماری و طراحی شهری با کیفیت تاکید بر (زیبایی، آسایش انسان و خلق حس مکان و...) تراکم افزایش یافته حمل و نقل هوشمند پایداری کارایی انرژی بالا بودن کیفیت زندگی (ارجمندنیا، ۱۳۹۶).

مدل سازی درون شهری

نو شهرسازی با دیدگاه آن در ارتباط با محلات به توسعه سنتی محلات موسوم است، شناخته می شود. یکی از مهمترین اصطلاحات مورد طرح در نهضت نوشهرسازی است. توسعه سنتی محلات یک سیستم جامع برنامه ریزی است که طیف متنوعی از گونه های مسکن و کاربری ها را در یک ناحیه مشخص را در بر می گیرد. تنوع کاربری ها به تسهیلات آموزشی بناهای مدنی و تجاری این اجازه را می دهد که در فاصله مناسب برای پیاده روی از واحدهای مسکونی قرار گیرند توسعه سنتی محلات از راههای مناسب برای افراد پیاده حمایت می کند (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳).

اصول طراحی محله از دیدگاه درون شهری

نوشهرسازی بازگشت به الگوی توسعه محلات سنتی را ضروری میدانند تا با آن بتوان به جامعه پایدار و کاربردی دست یافت و دستیابی به این پایداری در کاهش استفاده از اتومبیل تنوع کاربری ها و افزایش روابط اجتماعی می داند قلب نوشهرسازی طراحی محلات است و برای آن تعریفی مشخص تر از ۱۳ نکته ارائه شده توسط آندره دوانی و الیزابت پلاتر زیبرگ وجود ندارد بنابراین یک محله خوب شامل اجزای زیر است مشخص بودن مرز و مرکز محلات فاصله کوتاه ساکنین با مرکز محله (۵ دقیقه پیاده روی) وجود روابط و سرمایه بالای اجتماعی تنوع در کاربری ها و نوع خانه ها بر طرف شدن نیازهای هفتگی ساکنین در لبه محلات وجود هویت و حس تعلق تعبیه یک بنا کوچک و فرعی در حیاط پشتی وجود مدرسه ابتدایی در محله وجود فضاهای بازی کوچک و قابل دسترسی برای همه طراحی پیوسته خیابان ها و عدم تمرکز ترافیک سهولت حرکت عابران پیاده و دوچرخه سواران در خیابان ها طراحی مطلوب ساختمان های مرکز محله دسترسی پارکینگ ها از پشت بنا توجه به کریدورهای دید در چشم انداز خیابان ها و یا مرکز محله سازماندهی خود مختار محلات است.

در کشور ما کمتر تمهیداتی برای برنامه ریزی محله های شهری جهت ارتقای کیفیت زندگی آنها و معاصر سازی آنها انجام شده است و این محلات که زمانی پاسخگوی نیاز ساکنان و مقتضیات زمان حاضر خود بوده اند، مسیر تنزل را طی کرده اند. در این راستا به کارگیری اصول شهرسازی نوین در تقویت هویت محلات به همراه داشته است. مرزبندی محلات باید به روش سنتی مرزبندی و بافت اجتماعی محله توجه کند و باعث گسست اجتماعی آن نشود (قرمانی و همکاران، ۱۳۸۵).

نظریه ی مدل سازی بین شهری

بر اساس نظریه برگس ساختار شهر به صورت مناطق متحدالمرکزی که به دور مرکز اصلی شهر قرار دارند. در مرکز فعالیت های عمده فروشی و تجارت استقرار دارند و پس از عبور از حلقه ی منطقه تحول به حلقه های محلات مسکونی بر اساس تقسیمات محله ای می رسیم برگس عمدتاً دیدگاهی طبقاتی نسبت به محلات و شهر دارد. گسترش شهر تهران از تاریخ ۱۲۷۰ به صورت مکان های متحد المرکز به دور هسته ی اصلی شهر یعنی بازار گسترش یافته است. بر اساس این نظریه محلات و تقسیم بندی آنها از مرکز شهر به شکل دوایر متحدالمرکز است و محله های مسکونی در حلقه های بیرونی هستند هومر هویت با تجزیه و تحلیل نظریه برگس به این نتیجه می رسد که توسعه شهر از مرکز آغاز و به طور قطاعی و در طول راههای اصلی پیش میرود و محلات مسکونی در این قطاع ها شکل می گیرد. شکل کلی ساختار امروز تهران به صورت قطاعی است که دارای یک مرکز تجاری اصلی در ناحیه ی مرکزی شهر و شمال بازار و دو مرکز فرعی مهم شمیرانات و ری و چندین مرکز خرده فروشی است (خیاط و عفیفی، ۱۳۹۵).

نظریه ی مدل سازی درون شهری

از جمله نظریه هایی که در اوایل قرن ۲۰ بر تحولات برنامه ریزی شهری در جهان به خصوص در اروپا تاثیر گذاشت، نظریه ی کلارنس پری در سال ۱۹۲۳ با عنوان واحد همسایگی است. پری معتقد بود خدمات عمده و اساسی باید در نزدیکی خانه مسکونی مستقر شود و مسیرهای دسترسی به خدمات نباید خیابان های اصلی را قطع کند. وی برای هر واحد حداقل یک دبستان چند مغازه و چند قطعه زمین برای پارک و ورزش و برای محلات مسکونی پر درآمد علاوه بر خدمات ذکر شده یک کلیسا سال اجتماعات کتابخانه باشگاه و استخر شنا در نظر گرفته بود و معیار او ۱۰ هزار نفر جمعیت را برای یک واحد همسایگی پرتراکم بیان می کند. در طرح واحدهای خودیار (همسایگی شبکه های اصلی ارتباطی شهر در پیرامون محلات قرار گرفته و ارتباطات درون محله ای از طریق شبکه راه های درجه دوم و سوم و جمع کننده صورت می پذیرد. این گونه طراحی بیشتر به خاطر تدوین برنامه ای در جهت حفاظت اماکن مسکونی در رابطه با ترافیک، آثار عبور و مرور اتومبیل و ورود به قلب محله مسکونی است و می گوید که مسیرهای دسترسی به خدمات نباید به وسیله ی خیابان های اصلی قطع شود و از سویی دیگر استقرار تاسیسات فرهنگی و اجتماعی در مرکز محلات از خصیصه های طرح به شمار می رود. لازم به ذکر است که اتومبیل عامل قدرت بخشیدن به نظریه واحدهای همسایگی و نیز محرک تفکیک شهرها به تعدادی از واحدهای ساختاری بود که یک نظام سلسله مراتبی شهری به وجود می آوردند (پرهیز و همکاران، ۱۳۸۹).

دو ویژگی دسترسی و امنیت در محلات مسکونی شهری در طرح واحدهای خودیار از سایر خصیصه ها نمود بارزتری دارد و در این طرح شناخت و تاکید بر عواملی چون وسعت مرزها، فضاهای باز، محل ساختمان های عمومی مغازه های محل و راههای داخلی اساس کار به شمار می رود. جامعه شناسان شهری بر مزایای طرح مذکور تاکید داشته و معتقدند که افراد ارتباط اجتماعی مناسبی با یکدیگر دارند و از سویی دیگر ارائه خدمات به خوبی انجام می گردد. یکی از ایراداتی که همواره به طرح یاد شده وارد می شود بحث تقسیمات و به عبارت بهتر، خطکشی های فیزیکی است که این طرح در سطح شهرها ارائه می نماید از نظر منتقدین طرح با توجه به روابط پیچیده اجتماعی انسانی حاکم بر جوامع شهری امروز و ریشه دواندن بخش های مختلف شهری در یکدیگر امکان انجام خط کشی های فیزیکی وجود ندارد و این امر به جدا افتادگی بخش های مختلف از دست رفتن بسیاری از فضاهای شهری و در نتیجه ناکارآمدی شهرها در ادای وظیفه خود در ابعاد گوناگون منجر خواهد شد. در مجموع می توان گفت طرح کلارنس پری علارغم عدم توجه کافی به خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و طبیعی شهرهای مختلف قابلیت اجرایی زیادی دارد و اساس طرح وی می تواند به عنوان الگویی جهت طراحی و توسعه واحدهای محله ای قرار گیرد.

مدل شهرهای سالم

ایده شهر سالم به عنوان یک پدیده فکری که به دلیل گستردگی در سطح بین المللی و بهره مندی از بنیادهای علمی و دانشگاهی از پایه های منطقی کافی برخوردار است ابزار مفیدی تلقی می گردد و مسائل امروزی شهرها ایجاب می کند که ایده شهرهای سالم را به عنوان وسیله ای موثر و جامع مورد توجه قرار داد. ایده شهر سالم و یا جنبش شهر سالم در دهه ی ۱۹۸۰ و از کشور کانادا آغاز شد. این جنبش در آغاز اهداف زیست محیطی و بهبود وضعیت بهداشتی شهرها و سکونت گاه های انسانی را مد نظر داشت لیکن رفته رفته اهدافی فراتر از مسایل بهداشتی شهرها را دنبال نمود. ریشه های پیدایش این جنبش را می

توان در ایده های مربوط به آرمانشهرها که به دنبال ایجاد سکونت گاه های پاک آرام و بدون هرگونه ناهنجاری بودند و همراه با تعامل بالای اجتماعی که از قرن نوزدهم و به دنبال بروز نابسامانی های در شهرها مطرح شدند جستجو کرد و تفاوت آن با ایده آرمانشهری آن است که بر خلاف آرمان شهرها که به دنبال خلق محیط های کوچک و سالم بودند به دنبال ایجاد محیط های سالم در هر مقیاسی چه کوچک و چه بزرگ می باشد. در ایران نیز پروژه شهر سالم با برگزاری نخستین سمپوزیوم شهر سالم در آذر ماه ۱۳۷۰ در تهران مطرح شد. این پروژه مبتنی بر فرآیند ابتکارات خودانگیخته مردم و سازمان ها برای ارتقاء و اعتلای مستمر سطح سلامت جسمی اجتماعی اقتصادی و روحی روانی شهروندان بود و محله کوی ۱۳ آبان در جنوب تهران نخستین محله برای اجرای ابتکار شهر سالم بود. جامع ترین تعریفی که از شهر سالم ارائه شده است تعریفی است که دهل و هنکوک ارائه نموده اند. شهر سالم شهری است که به طور مداوم و مستمر در حال آفرینش و بهبود بخشی به آن گونه محیط های کالبدی و اجتماعی و گسترش آن گونه منابع جامعه است که مردم را قادر می سازد که یکدیگر را در راه اجرای تمامی عملکردهای زندگی و دستیابی به حداکثر توان های خودشان پشتیبانی نمایند. تعریف دیگری از شهر سالم تاکید بر خلق زندگی سالم دارد و شهر سالم را مجموعه ای میداند از امکانات رفاهی، بهداشتی اجتماعی و اقتصادی که برای یک زندگی سالم باید در نظر گرفته شود. شهر سالم به شهری گفته می شود که پیوسته به تسهیل خلق و ارتقاء محیط های اجتماعی و فیزیکی پرداخته و با شکل گیری شبکه های حمایتی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی حرکت کند. شهر سالم از دو جهت تحقق می یابد، یکی برنامه ریزی کالبدی و شهری دوم سلامت جامعه و اصلاح و تعدیل رفتارهای مناسب و معقول شهرهای سالم حافظ سلامتی ساکنین بوده و ملزم به تعیین شرایط مناسب برای فعالیت هستند و محیط امنی برای زندگی هستند و ارتباط اجتماعی در شهرهای سالم تعالی دهنده و در جهت تغییر اصلاح جامعه است. مرزبندی محلات باید به گونه ای باشد که تعامل و همبستگی اجتماعی را از بین نبرد و اصول شهر سالم و اجتماعی را زیر پا نگذارد. شهرهای سالم از منظر سازمان بهداشت جهانی ۹ محدوده عملکردی را تحت پوشش دارند: ۱ برنامه توسعه سلامت شهر ۲ مشارکت اجتماعی ۳۰ ارزیابی اثرات سلامتی ۴ فقر ۵ عوامل اجتماعی (مرزبندی در جهت افزایش سرمایه اجتماعی هویت مکانی حس تعلق و مشارکت ۶ توسعه پایدار ۷ حمل و نقل. پروژه شهر سالم ۶ ویژگی دارد. ۱ تعهد برای سلامتی اجتماعی که همراه با مشارکت و حس تعلق است ۲ تصمیم گیری سیاسی. عمل و همکاری بین بخشی. مشارکت جامعه بالا بودن تعامل و هماهنگی اجتماعی ۵ نوآوری ۶ سیاست سلامت عمومی (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۲).

اهداف توسعه شهر سالم

مرزبندی محلات بر اساس اهداف تحرک سیاسی و مشارکت جامعه مرزبندی بر اساس ایجاد سلامتی اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهایشان ایجاد ظرفیت فزاینده برای مسئولین شهری در مدیریت مشکلات شهری و تشکیلات مشارکتی با سازمان های اجتماعی در بهبود شرایط زندگی ایجاد یک شبکه ای از شهرها در مبادله و تکنولوژی اطلاعات و به نوعی افزایش روابط اجتماعی تضمین مشارکت زنان در تصمیم گیری در ارتباط با فعالیت های پروژه ها. اهداف اصلی آن در اروپا، بهبود سلامت و توجه جدی به اصول آن برای همه توسعه پایدار و برنامه ریزی بر پایه مشارکت است. سیاست ها: مرزبندی محلات بر اساس افزایش روابط اجتماعی توسعه اجتماعات محلی، افزایش سلامت اجتماعی، افزایش هویت و حس تعلق توسعه نگرش سلامت شهرها بر اساس دو سر فصل بهداشت برای همه و ارتقاء بهداشت؛ ارتقاء بهداشت در برنامه های سیاسی و اجتماعی شهرها

تاکید بر اقداماتی جهت بهداشت همگانی که بر روابط متقابل بین افراد و محیط و روش‌های زندگی اثر می‌گذارد مبارزه با عواملی که سلامتی افراد ساکن شهر را مورد تهدید قرار می‌دهد سیاست اصلی پروژه شهر سالم است.

اصول این اصول ما را در شکل دادن به انگاره ای از شهر سالم یاری می‌دهد تا در برای هر اصل معیارها و شاخص‌هایی مشخص شود با توجه به تعاریف شهر سالم و کیفیات ارائه شده از شهر سالم، قواعد کلی به صورت اصول چهارده گانه زیر با عنوان اصول شهر سالم استنباط و استخراج می‌گردد که هر یک ناظر به چند بعد از کیفیت شهر سالم است. این اصول چهارده گانه عبارتند از : حیات بخشی پایدار (مرز پایدار) ایمنی و امنیت بهره‌وری اقتصادی تعاون، دسترسی، تعادل سازگاری پویایی توسعه منظم، هویت، زیبایی، تنوع بهره‌وری وقت آزاد بسته در نظر گرفتن شهر احساس تعلق که منظور از اصول شهر سالم در اینجا اشاره ای به ارکان و پایه‌های ایده شهر سالم است. در واقع هر اصل مؤلفه‌هایی از شرایط برای تحقیق ایده شهر سالم را در خود دارند که برای هر شهری در هر منطقه ای قابل تعمیم است. این اصول به عنوان خصوصیات ذاتی شهر سالم مطرح هستند به گونه ای که خدشه در یکی از آنها کلیت ایده شهر سالم را از زاویه ای خاص به مخاطره می‌اندازد اهم خصوصیات این اصول عبارتند از:

- کلیه اصول از یک قاعده پیروی می‌کنند.
 - اصول یکدیگر را محدود و مشروط می‌کنند.
 - اصول یکدیگر را تکمیل می‌کنند.
 - اصول ناقض یکدیگر نیستند.
- هر اصل شرط لازم برای تحقق ایده شهر سالم است لیکن کافی نیست (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵).

منابع و مآخذ

۱. ارجمندنیا، اصغر (۱۳۹۶) درآمدی به شهرسازی نوین. انتشارات نظری.
۲. پرهیز؛ فریاد، مهدنژاد؛ حافظ، زیاری؛ کرامت الله (۱۳۸۹) مبانی و تکنیک های برنامه ریزی شهری، دانشگاه بین المللی چابهار.
۳. حاج محمدی، علیرضا (۱۳۹۶) مدل سازی توسعه شهر با تکنیک های RS و GIS، انتشارات بوعلی.
۴. حمدی قرجه قیایی، معصومه و محسنی، سمیه و ادیبی فتح، طاهر (۱۳۹۴) بررسی انواع رویکردهای نوین توسعه پایدار شهری، اولین کنفرانس سالانه بین المللی عمران، معماری و شهرسازی، شیراز.
۵. خیاط؛ میلاد، عقیقی؛ ابراهیم (۱۳۹۵) مدل سازی توسعه شهری با استفاده از سنجش از دور و GIS، انتشارات ماهواره.
۶. زیاری؛ کرامت الله، جانبابا نژاد؛ محمدحسین (۱۳۹۵) دیدگاه ها و نظریات شهر سالم. مجله شهرداری ها، سال نهم، شماره ۹۵، ص ۱۴-۲۳.
۷. سالک، نیما، (۱۳۸۶) ارائه الگوی برنامه ریزی پایدار محله ای در فرآیند برنامه ریزی شهری (محله ده ونک)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، به راهنمایی دکتر مجتبی رفیعیان.
۸. سعیدی رضوانی؛ نوید، کاظمیان؛ غلامرضا، عبدالمهی؛ مجید، نودرپور؛ علی.... (۱۳۹۳) مدیریت شهری مبانی و حوزه ها، موسسه تیسا ساغر مهر.
۹. صراف، مظفر. (۱۳۷۵). توسعه پایدار و مسوولیت برنامه ریزان شهری. معماری و شهرسازی، - (۳۵)، ۳۹-۴۵.
۱۰. ضیائی؛ احمد، باقرنژاد؛ حمیدرضا، شجاعی ستوده؛ مالک اشتر (۱۴۰۲) مشارکت شهروندی و شهر سالم (با هدف کاربری در مدیریت شهری). انتشارات لوح سفید.
۱۱. عسگری، عطیه و جهانگیریان، خاطره (۱۳۹۲) باز طراحی فضاهای عمومی شهری در راستای توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: میدان امام خمینی شهر همدان)، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان.
۱۲. قربانی؛ هادی، ترابی؛ مرضیه، ترکزاده؛ نغمه، قاسمی؛ مروارید، پاکزاد؛ جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهر. انتشارات شهید.
۱۳. نودرپور، علی، مصطفوی؛ سیدرضا، ایمانی جاجرمی؛ حسین، سعیدی رضوانی؛ نوید و.... (۱۳۹۳) مدیریت شهری، موسسه تیسا ساغر مهر.